



Validation of the Narrations of Sha'n al-Nuzūl (Circumstances of Revelation) Concerning the Identification of the Referent of "He Who Has Knowledge of the Book" (Surah Ar-Ra'd, Verse 43)

Samaneh Torabi¹ | Mohammad Sharifi² | Amir Ahmadnejad³

1. Ph.D. Student in Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: torabi.samane303@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: m.sharifi@yazd.ac.ir; Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: mo.sharifi@theo.ui.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 6 October 2025
Revised: 5 November 2025
Accepted: 28 January 2026
Available online 3 February 2026

Keywords:

Validation, Circumstances of Revelation, Ar-Ra'd, knowledge of the book ('ilm al-Kitāb).

Various perspectives exist regarding the identity of the referent for the phrase "He who possesses knowledge of the Book" in Verse 43 of Surah Ar-Ra'd. Some attribute this title to Abdullah ibn Salam, others to various scholars among the People of the Book (Ahl al-Kitāb), and some to Imam Ali (PBUH). Furthermore, certain scholars have proposed the variant reading "man 'indahū 'ulima al-kitāb" thereby attributing the source of knowledge to God Himself. By consulting narrative sources from the first four centuries, all narrations identifying Abdullah ibn Salam as the referent were compiled and scrutinized in both chain of transmission and thematic perspective. The analysis reveals that narrations transmitted from Mujahid, Abdullah ibn Salam, and Dhahhak lack sufficient validity to determine the verse's referent due to weak chains of transmission, their disconnected (mursal) status, and discrepancies in textual readings. Conversely, Shī'a narrations and select reputable Sunni sources attribute the most reliable paths (turūq) and editorial versions (tahrīr) to the Commander of the Faithful, Ali (PBUH), which are validated by biographical evaluation (rijāl) and exhibit greater structural integrity. Utilizing a descriptive-analytical methodology, this study evaluates the isnad and text (matn) of narrations in historical sources to resolve the existing conflicts and ambiguities within these reports, seeking to determine which category of narrations holds superior historical and scholarly validity.

Cite this article: Torabi, S.; Sharifi, M.; Ahmadnejad, A. (2025). Validation of the Narrations of Sha'n al-Nuzūl (Circumstances of Revelation) Concerning the Identification of the Referent of "He Who Has Knowledge of the Book" (Surah Ar-Ra'd, Verse 43). *Hadith Doctrines*, 9(17), 125-148. <https://doi.org/10.30513/hd.2026.7559.1310>





اعتبارسنجی روایات شأن نزول و تعیین مصداق «من عنده علم الكتاب» (آیه ۴۳ سوره رعد)

سمانه ترابی^۱ | محمد شریفی^۲ | امیر احمدنژاد^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: torabi.samane303@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: m.sharifi@yazd.ac.ir و دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: mo.sharifi@theo.ui.ac.ir
۳. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	دیدگاه‌های متفاوتی درباره مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در آیه ۴۳ سوره رعد وجود دارد. برخی این عنوان را به عبدالله بن سلام، برخی به سایر عالمان اهل کتاب و برخی به حضرت علی (ع) نسبت داده‌اند و برخی نیز قرائت این آیه را «مِن عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» دانسته و آن را به خداوند نسبت داده‌اند. با مراجعه به منابع روایی چهار قرن نخست، تمام روایاتی که عبدالله بن سلام را مصداق این آیه معرفی کرده‌اند، جمع‌آوری و از نظر سندی و محتوایی بررسی شدند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که روایت‌های منقول از مجاهد، عبدالله بن سلام و ضحاک به دلیل ضعف اسناد، مرسل بودن و اختلاف در قرائت‌ها، اعتبار کافی برای تعیین مصداق آیه را ندارند. در مقابل، روایت‌های شیعی و برخی منابع سنی معتبر، بیشترین طرق و تحریرهای قابل اعتماد را به امیرالمؤمنین علی (ع) نسبت داده‌اند و از نظر رجالی مورد تأیید و از استحکام بیشتری برخوردارند. این پژوهش با ارزیابی سند و متن روایات موجود در منابع روایی و به روش توصیفی - تحلیلی سعی در حل تعارضات و آشفتگی موجود در این روایات دارد و به دنبال پاسخ این پرسش اساسی است که کدام دسته از روایات به لحاظ تاریخی اعتبار بیشتری دارند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴	
کلیدواژه‌ها: اعتبارسنجی، شأن نزول، رعد، علم کتاب.	

استناد: ترابی، سمانه؛ شریفی، محمد؛ احمدنژاد، امیر. (۱۴۰۴). اعتبارسنجی روایات شأن نزول و تعیین مصداق «من عنده علم الكتاب» (آیه ۴۳ سوره رعد)، ۹ (۱۷)، ۱۲۵-۱۴۸. <https://doi.org/10.30513/hd.2026.7559.1310>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

آیه ۴۳ سوره رعد از جمله آیاتی است که مفسران درباره مصداق «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ» دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. برخی از مفسران اهل سنت، مانند طبری، مصداق این عبارت را به عبدالله بن سلام، از علمای یهود که پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه اسلام آورد، نسبت داده‌اند. در مقابل، بسیاری از منابع روایی شیعه و برخی از تفاسیر اهل سنت، حضرت علی (ع) را مصداق این آیه دانسته‌اند. این اختلاف دیدگاه، پرسش‌هایی اساسی را مطرح می‌کند:

۱. آیا روایاتی که این آیه را به عبدالله بن سلام، منتسب ساخته‌اند، روایات معتبری‌اند؟

۲. سایر شواهد روایی در منابع شیعی و اهل سنت درباره این آیه چه می‌گویند و کدام دیدگاه از اعتبار بیشتری برخوردار است؟

۱. اهمیت بحث

این موضوع در تفاسیر مختلف مطرح شده است، اما بسیاری از تحلیل‌های پیشین، بیشتر بر گزارش‌های روایی خاص تمرکز کرده‌اند و کمتر به بررسی دقیق سند و متن روایات پرداخته‌اند. همچنین، برخی مفسران، بدون توجه کافی به مکی یا مدنی بودن سوره رعد، تلاش کرده‌اند این آیه را با شخصیت عبدالله بن سلام تطبیق دهند. نوآوری این پژوهش در آن است که با روش اعتبارسنجی سندی و بعضاً متنی، روایات مرتبط را از نظر اعتبار، تناسب تاریخی بررسی کرده است. این مقاله تلاش دارد نشان دهد که انتساب این آیه به عبدالله بن سلام با اشکالات جدی مواجه بوده و در مقابل، شواهد قوی‌تری برای تطبیق این عنوان با حضرت علی (ع) وجود دارد.

۲. پیشینه بحث

در میان پژوهش‌های انجام گرفته در ارتباط با مصداق «من عنده علم الكتاب» در آیه ۴۳ رعد، می‌توان به مقالاتی چون تفسیر تطبیقی آیه پایانی سوره رعد نوشته عباس مصلاهی پور یزدی و مجید بشیری در سال ۱۳۹۴؛ نقد و بررسی مفسران اهل سنت در مراد از «ومن عنده علم الكتاب» نگاشته سیدحسین شفیعی دارابی و

عشرت بتول احمدی اطهر در سال ۱۳۹۸؛ همچنین مقاله مصداق شناسی آیه «ومن عنده علم الكتاب» از علی نصیری و محمدحسین نصیری انتشار یافته در سال ۱۳۹۲ اشاره کرد که در تمام این مقالات تنها نویسندگان با استدلال‌های خود که بیشتر صبغه کلامی دارند، به نقد دیدگاه‌های مختلف درباره مصداق این آیه پرداخته‌اند و خبری از بررسی‌های سندی-متنی و اعتبار تاریخی این روایات نیست.

۳. مصداق عبارت «من عنده علم الكتاب»

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ (رعد/۴۳)

در آیه ۴۳ سوره رعد، پس از ذکر خداوند، «عالم به کتاب» به عنوان شاهد و داور برای تأیید حقانیت پیامبر (ص) معرفی شده است. همین امر سبب گردیده که روایات متعددی در تعیین مصداق این عنوان نقل شود. گروهی از این روایات، عبدالله بن سلام را مراد آیه دانسته‌اند؛ چنان‌که طبری هفت روایت ذیل این آیه را به او اختصاص داده است (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰۰-۵۰۸). ابن عطیه نیز ذیل همین آیه هفت دیدگاه را گزارش کرده که در دو روایت، قتاده و خود ابن سلام این عنوان را به عبدالله بن سلام تفسیر کرده‌اند (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۲۰). حتی برخی مفسران که سوره رعد را مکی می‌دانند، به دلیل ارتباط شأن نزول آیه با ایمان آوردن عبدالله بن سلام در مدینه، این آیه را مدنی تلقی کرده‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۵۴).

در برابر این دیدگاه، روایاتی نیز وجود دارد که مصداق آیه را علی (ع) معرفی می‌کنند. نسبت دادن چنین جایگاهی به عبدالله بن سلام، در ردیف فضائل او شمرده می‌شود؛ نکته قابل توجه این است که خود وی نیز این روایت را در شأن خویش نقل کرده است. مروری اجمالی بر تفاسیر نشان می‌دهد که آیات دیگری نیز در فضیلت ابن سلام گزارش شده است. از این رو، در گام نخست لازم است روایات گوناگون مرتبط با شأن نزول این آیه گردآوری شده و سپس به اعتبارسنجی آن‌ها پرداخته شود.

۳-۱. عبدالله بن سلام

با مراجعه به منابع روایی چهار قرن نخست، تمام روایاتی که با تحریرهای متفاوت

مرسل دانسته و بر وجود واسطه میان او و آنان تصریح کرده‌اند (عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۱، ص ۴۴).

مطالعه روایات مجاهد درباره شأن نزول آیه ۴۳ نشان از تعارض این روایات دارد؛ یعنی در جایی، به نقل از او، این آیه در شأن عبدالله بن سلام نازل شده و در جایی دیگر، به نظر او، قرائت این آیه متفاوت است و ارتباطی با عبدالله بن سلام ندارد. وجود چنین تعارض‌هایی در روایات یک راوی، زمینه تردید در انتساب قطعی آن‌ها به وی را فراهم می‌آورد؛ از این رو، بررسی و تحلیل اسناد روایات نقش اساسی در سنجش میزان اعتبار تاریخی آن‌ها دارد. بنابراین، علاوه بر مقطوع دانستن روایت، نقل هریک از سه راوی اَبی نجیح، حکم و لیث از مجاهد نیز مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه قرائنی در تأیید ضعف روایات منسوب به مجاهد ذکر شده است. دو طریق مالک و ابن زید نیز که برای ابن وهب این روایت را نقل کرده‌اند، به دلیل انقطاع و نقصان سند، طرق معتبر و قابل اعتمادی نیستند. درباره طریق قتاده نیز با وجود اینکه کامل به نظر می‌رسد و علی‌رغم توثیق وی توسط عالمان، نقل‌هایی بر مدلس بودن او در منابع وجود دارد. همچنین لازم به یادآوری است که قتاده، خود نیز تابعی است، نه صحابه. طریق دیگر نیز نقل راوی ناشناس از مجاهد است که در طبقات ابن سعد با تعبیر «عن رجل» ذکر شده است و به لحاظ سندی فاقد اعتبار است.

الف) عبدالله بن اَبی نجیح

عبدالله بن اَبی نجیح، مفسر مکی و از تابعین، در سال ۱۳۱ هجری وفات یافت. رجالیان در توصیف او از تعبیر «صالح الحدیث» بهره برده‌اند (عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۶، ص ۵۴). وی که به مذهب قدری گرایش داشت، پس از عمرو بن دینار در شمار فقیهان برجسته مکه جای گرفت. درباره وثاقت او میان رجال‌نگاران اختلاف نظر دیده می‌شود؛ برخی او را ثقه دانسته‌اند، اما در عین حال ویژگی تدلیس را به او نسبت داده‌اند. ابن حبان بر این باور است که ابن اَبی نجیح تفسیر را مستقیماً از مجاهد فرا نگرفته و همچون ابن جریج، بدون سماع، از او روایت کرده است (عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۶، ص ۵۴). همچنین نسائی وی را مدلس معرفی کرده است (عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۶، ص ۵۵). با این حال، شماری از محققان این ارزیابی را نادرست دانسته و او را از

شاگردان خاص مجاهد قلمداد کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۲۶). لازم به ذکر است در میان شاگردان ابن ابی نجیح، رجالیان و رقاء را توثیق کرده و او را معتقد به ارجاء دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۴۲۰-۴۲۲؛ عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۱۱، ص ۱۱۳-۱۱۵).

ب) حکم بن عتیبه

حکم بن عتیبه معروف به ابوعمر و به نقلی ابوعبدالله، دانشمند و فقیه برجسته اهل سنت است که از افرادی مانند ابی جَحِيفَةَ السَّوَّائِي، شَرِيحِ الْقَاضِي، عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى، أَبِي وَائِلِ شَقِيقِ بْنِ سَلَمَةَ، ابْنِ رَاهِمِ النَّخَعِيِّ، سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ، طَاوُوسِ، عِكْرَمَةَ، مُجَاهِدٍ، أَبِي الصُّحَى، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، أَبِي الشَّعْثَاءِ الْمُحَارِبِيِّ، عَامِرِ الشُّعْبِيِّ، عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ نقل کرده است و افرادی مانند مَنْصُورِ، الْأَعْمَشِ، زَيْدِ بْنِ أَبِي أَنْبَسَةَ، أَبَانَ بْنِ تَغْلِبِ، مِسْعَرُ بْنُ كِدَامِ، مَالِكُ بْنُ مَعْوَلٍ، أَوْزَاعِيُّ، حَمْرَةُ بْنُ حَبِيبِ الزِّيَّاتِ، شُعْبَةُ، قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ، أَبُو عَوَانَةَ، مَعْقِلُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ از او نقل کرده‌اند. جایگاه او را در فقه بسیار ستوده‌اند و جایگاه او را در میان اصحابش مانند جایگاه زهری در میان اصحابش دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۰۸-۲۱۰). لکن اقوال متعددی در معرفی او به عنوان فردی مدلس در منابع مختلف دیده می‌شود که قرینه‌ای دیگر بر ضعف روایات منسوب به مجاهد است (علائی، ۱۴۰۷، ص ۱۶۷؛ نسائی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۲۳؛ عسقلانی، ۱۴۰۶، ص ۳۰).

ج) لیث بن سعد

ابوحارث، لیث بن سعد بن عبدالرحمن، امام اهل مصر در فقه و حدیث است. وی مولای قیس بن رفاعه است و در سال ۹۴ هجری در قاهره چشم به جهان گشود. اصل و نسب او به اصفهان در فارس برمی‌گردد. بسیاری از علما به فقه لیث گواهی داده‌اند. شافعی او را فقیه‌تر از مالک دانسته و پیروی او از اثر و حدیث را بیش از مالک ذکر کرده است. همچنین فضل بن زیاد به نقل از احمد بن حنبل، لیث را صاحب علم بسیار و حدیثش را صحیح دانسته است (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۱۲۳). اما در خصوص نقل لیث بن سعد از مجاهد چند اشکال وجود دارد؛ نخست اینکه در میان اسامی مشایخ لیث نام مجاهد دیده نمی‌شود و تمامی نام‌های موجود در منابع به شرح زیر است: عَطَاءُ بْنُ أَبِي رَبَاحٍ، ابْنُ أَبِي مُلَيْكَةَ، نَافِعُ الْعُمَرِيُّ، سَعِيدُ بْنُ أَبِي

سَعِيدِ الْمُقْبِرِيِّ، ابْنِ شَهَابِ الزُّهْرِيِّ، أبا الزُّبَيْرِ الْمَكِّيِّ، مِشْرَحِ بْنِ هَاعَانَ، أبا قَبِيلِ الْمَعَاظِرِيِّ، يَزِيدَ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ، جَعْفَرَ بْنَ رَبِيعَةَ، عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ، بُكَيْرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْأَشَّجِ، عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْقَاسِمِ، الْحَارِثَ بْنَ يَعْقُوبَ، ذَرَّاجًا أبا السَّمْحِ الْوَاعِظَ، عَقِيلَ بْنَ خَالِدٍ، يُونُسَ بْنَ يَزِيدَ، حُكَيْمَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ، عَامَرَ بْنَ يَحْيَى الْمَعَاظِرِيِّ، عُمَرَ مَوْلَى عُرْفَةَ، عِمْرَانَ بْنَ أَبِي أَنَسٍ، عِيَّاشَ بْنَ عَبَّاسٍ، كَثِيرَ بْنَ فَرْقَدٍ، هِشَامَ بْنَ عُرْوَةَ، عَبْدِ اللَّهِ بْنَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي حُسَيْنٍ، أَيُّوبَ بْنَ مُوسَى، بُكْرَ بْنَ سَوَادَةَ، أبا كَثِيرِ الْجَلَّاحِ، الْحَارِثَ بْنَ يَزِيدَ الْحَضْرَمِيِّ، خَالِدَ بْنَ يَزِيدَ، صَفْوَانَ بْنَ سُلَيْمٍ، خَيْرَ بْنَ نَعِيمٍ، أبا الزِّنَادِ، قَتَادَةَ، مُحَمَّدَ بْنَ يَحْيَى بْنِ حَبَّانَ، يَزِيدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْهَادِ، يَحْيَى بْنَ سَعِيدِ الْأَنْصَارِيِّ (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۱۲۳-۱۲۴).

نکته دیگر توجه به تاریخ وفات مجاهد است که در حدود سال ۱۰۲-۱۰۸ق ذکر شده است و لیث در آن زمان تنها حدود ۸ تا ۱۴ سال سن دارد که قرینه‌ای دیگر بر عدم سماع او از مجاهد است.

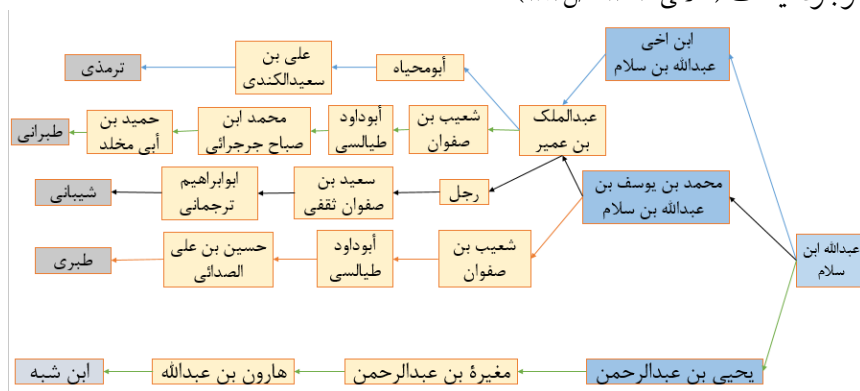
همچنین اقوال پراکنده‌ای در تضعیف او به چشم می‌خورد؛ مثلاً ابوداود به نقل از احمد بن حنبل اخذ روایت توسط لیث را همراه با تسامح و تساهل دانسته یا ابوبکر اثرم نیز در نقلی عدم اطمینان احمد بن حنبل را درباره روایات لیث بن سعد گزارش کرده است (ابن حنبل، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۰۵).

۲-۱-۳. عبدالله بن سلام

راوی تحریرهای دیگری از این دسته روایات، خود عبدالله بن سلام است که تقریباً شبکه اسناد خانوادگی را شکل داده است. روایاتی که بیان‌کننده فضائلی هستند، از راویان دیگری به غیر از صاحب آن فضیلت معتبر و قابل بررسی‌اند و نقل این گزارش از خود عبدالله بن سلام قرینه‌ای بر بی‌اعتباری این دسته از روایات است. همچنین نکته قابل توجه در بررسی این شبکه اسنادی، این است که راویان ابن سلام از دو نسل بعد او هستند و هیچ‌یک از فرزندان یا راویان مشخص از او در منابعی مانند *أسد الغابه فی معرفة الصحابه* (أبناه: یوسف و محمد، أنس بن مالک، زرارۀ بن أوفی) این روایت را نقل نکرده‌اند (ابن اثیر، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۶۰). درباره شخصی چون محمد بن یوسف بن عبدالله بن سلام نیز اطلاعات دقیقی در دسترس نیست؛ تنها

اطلاعاتی در مورد راویان یا مشایخ اوست که نام عبدالله بن سلام در این میان دیده نمی‌شود (مزی، ۱۴۰۰، ج ۲۷، ص ۴۸). همچنین بخاری نیز از او تنها با عبارات «طرفاً من الخبر»، «لایصح عندی، لایتابع علیه» یاد کرده است (بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۳). البته نام او در الثقات ابن حبان نیز ذکر شده است (ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۳۶۸). یا نام ابن اخیه عبدالله بن سلام جزو افراد مجهول و ضعیف ثبت شده است (عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۹، ص ۴۹۳).

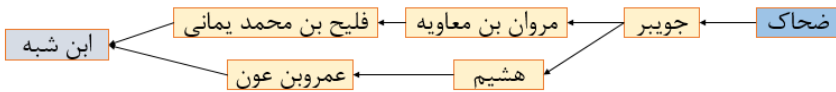
در طریق ذکرشده در تاریخ المدینه از ابن شبهه نیز که طریقی واحد است با مشکلات دیگری مواجه هستیم؛ از جمله اینکه ابن شبهه نقل مغیره بن عبدالرحمن را از یحیی بن عبدالرحمن بن عمر بن سعد دانسته است (ابن شبهه، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۱۱۸۱). با مراجعه به منابع مختلف شخصی با این نام پیدا نشد و عمر بن سعد فرزندی به نام عبدالرحمن نداشته است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲، ص ۲۴۴). حتی با مطالعه مغیره بن عبدالرحمن که با توجه به موقعیت قرارگیری او در سند تابع تابعی (متوفی حدود سال ۱۰۰ هجری) و ظاهراً همان مغیره بن عبدالرحمن بن الحارث بن هشام المخزومی است، اطلاعاتی از یحیی بن عبدالرحمن بن عمر بن سعد یافت نشد و همچنین نام مغیره نیز در احکام المراسیل به چشم می‌خورد و اطلاعات دقیق و شفافی از توثیق وی موجود نیست (علانی، ۱۴۰۷، ص ۲۸۴).



۳-۱-۳. ضحاک

دو تحریر دیگر به نقل از جویبر از ضحاک در تاریخ المدینه از ابن شبهه موجود است که راویان دو طریق، به ویژه جویبر، در منابع رجالی به شدت تضعیف شده‌اند.

از جویبر با الفاظی مانند «لیس بالقوی»، «متروک الحدیث»، «لیس بشیء»، «ضعیف»، «خراسانی متروک» یاد شده است (دارقطنی، ۲۰۰۱، ج ۱، ص ۱۷۸؛ ابن عدی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۳۹). درباره ضحاک نیز نقل‌های بسیاری است که در زمان پیامبر اسلام آورد، ولی او را ملاقات نکرد و تابعی است و روایات او، به خصوص گزارش‌هایی مرتبط با عصر پیامبر (ص)، از اعتبار ساقط است (ابن حنبل، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷۲؛ علائی، ۱۴۰۷، ص ۱۴۳؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۸۶).



۳-۲. اهل کتاب از جمله عبدالله بن سلام

در میان منابع اهل سنت نیز بر انتساب مصداق این آیه به عبدالله بن سلام اتفاق نظر وجود ندارد و برخی از روایات «من عنده علم الکتاب» را مصداق تعدادی از اهل کتاب دانسته‌اند که در تعدادی از این تحریرها نام ابن سلام جزو این افراد است و در برخی نیز نام او دیده نمی‌شود و به سلمان فارسی و تمیم الداری یا به طور کلی به اهل کتاب اشاره شده است. دو تحریر ذکرشده در طبری به نقل از قتاده است که متن یکی از تحریرها به روایت سعید از قتاده چنین است:

حدثنا بشر قال: حدثنا يزيد قال: حدثنا سعيد، عن قتادة، قوله: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا﴾، قال: قول مشرکی قریش: ﴿قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾، أناس من أهل الکتاب كانوا یشهدون بالحقّ ویقرّون به، ویعلمون أن محمداً رسول الله، كما یحدّث أن منهم عبد الله بن سلام.

ملاحظه می‌کنید که در این نقل تنها و به طور خاص به عبدالله بن سلام اشاره نشده است. و به آن دسته از اهل کتاب اشاره کرده است که به حق شهادت می‌دهند و به آن اقرار می‌کنند و به پیامبری محمد (ص) علم دارند. پس در هر دو صورت با توجه به متن روایت تطبیق مصداق این آیه با عبدالله بن سلام تضعیف می‌شود. همچنین نقل شخصی به نام سعید از قتاده در منابع روایی و رجالی بررسی شد و

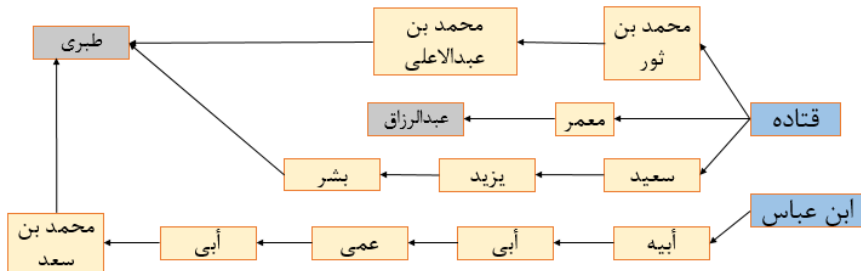
نقل سه نفر با نام‌های سعید بن ابی عروبه، سعید بن بشیر و سعید بن عبدالرحمن جحشی محتمل است. البته با توجه به فراوانی نقل‌های سعید بن ابی عروبه از قتاده - چنان که در منابع مختلف نیز نام او با این عبارات همراه بوده است: «أكثر في قتاده» (عسقلانی، بی تا، ص ۳۱)، «أثبت الناس في قتاده» (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۴۱۳) - و وجود نام یزید بن زریع میان راویان ابن ابی عروبه احتمال نقل او از قتاده در این طریق بیشتر است. گرچه برای هر سه نام ذکر شده گزارش‌هایی در جرح ایشان ذکر شده است. مثلاً سعید بن ابی عروبه مشهور به تدلیس و تخلیط است (سیوطی، بی تا، ج ۱۷، ص ۵۰؛ علائی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۶؛ عسقلانی، بی تا، ص ۳۱). سعید بن بشیر نیز توسط نسائی و ابن معین تضعیف شده است (ذهبی، ۱۴۰۶، ص ۸۴). همچنین از او با عبارات «لیس بالقوی» و «منکر الحدیث» نیز یاد کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۳۰۴). همچنین از سعید بن عبدالرحمن جحش نیز اطلاعات زیادی در دسترس نیست و البته نام او در جامع التحصیل فی احکام المراسیل ذکر شده است (علائی، ۱۴۰۷، ص ۱۸۲).

تحریر دیگر از قتاده در تفسیر طبری که اشاره‌ای به مقدمه موجود در تحریر پیشین ندارد این چنین است حدثنا محمد بن عبدالأعلی قال: حدثنا محمد بن ثور، عن قتاده: ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ قال: كان منهم عبد الله بن سلام، وسَلْمَانُ الفارسی، وتمیم الدَّارِی (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰۲). محمد بن ثور در منابع رجالی توثیق شده است (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۳۰۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۴۳؛ مزی، ۱۴۰۰، ج ۲۴، ص ۵۶۲). اما مشکلی اساسی وجود دارد؛ نام قتاده در میان مشایخ او دیده نمی‌شود و تاریخ وفات ابن ثور (م. ۱۹۰ق) با تاریخ وفات قتاده (م. ۱۰۰ق) برای نقل روایت سازگاری ندارد (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۳۰۲).

درباره طریق عبدالرزاق عن معمر بن راشد عن قتاده نیز نکاتی که وجود دارد، اشاره به تدلیس ابن راشد در منابع رجالی و عدم اشاره به مقدمه اولین تحریر از قتاده است (سیوطی، بی تا، ص ۹۴؛ علائی، ۱۴۰۷، ص ۲۸۳).

طریق مذکور از ابن عباس نیز به علت مشخص نبودن اسامی راویان، به طور دقیق قابل بررسی نیست و فاقد اعتبار است. متن این تحریر به این صورت است: «فَالَّذِينَ عِنْدَهُمْ عِلْمُ الْكِتَابِ: هم أهل الكتاب من اليهود والنصارى» (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰۱).

البته در همین تحریر نیز نام ابن سلام دیده نمی‌شود.



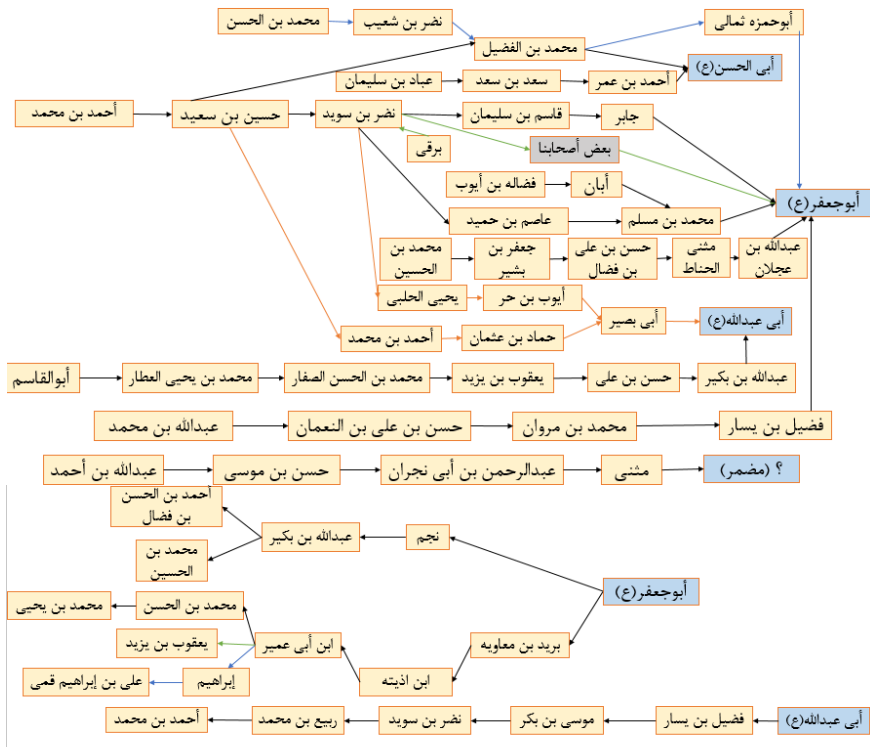
۳-۳. امیر المؤمنین

در تعیین مصداق «من عنده علم الكتاب»، پرتحریرترین و پرتریق‌ترین روایت، احادیث موجود در منابع شیعی و بعضاً سنی است که راویان متعددی از ائمه معصوم (ع)، امیر المؤمنین را با این عنوان معرفی کرده‌اند. تعدد تحریرها و طریق‌ها، به خصوص پس از ترسیم نمودار، کاملاً واضح و مشخص است و نشان از تمایزی ویژه به لحاظ اعتبار با سایر نمودارها دارد.

در میان راویان شیعی قرون نخستین، چهره‌هایی یافت می‌شوند که وثاقت آنان نزد رجالیان به اجماع پذیرفته شده است. از جمله این افراد یعقوب بن یزید، محدث قمی است که نجاشی او را «ثقة، عین، کثیر الروایة» دانسته است (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۴۴۹) و شیخ طوسی نیز در الفهرست به وثاقت او تصریح کرده است (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۵). همچنین فضیل بن یسار، از اصحاب امام باقر و صادق (ع)، در منابع رجالی جایگاه والایی دارد؛ نجاشی او را «ثقة» معرفی کرده است (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۳۰۷) و کشی او را در زمره اصحاب اجماع ذکر کرده است (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۳۸). این امر نشان می‌دهد که فضیل از راویانی است که روایاتش نزد محدثان حجیت کامل دارد.

از دیگر رجال برجسته می‌توان به یونس بن عبدالرحمن اشاره کرد که نجاشی وی را «وجهاً من أصحابنا متقدماً، عظیم المنزلة» توصیف کرده است (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۴۴۹) و شیخ طوسی نیز او را در شمار وجوه اصحاب یاد کرده است (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۶). همچنین احمد بن محمد بن عیسی قمی، رئیس قم، در رجال نجاشی با

تعبیر «شیخ القمیین فی زمانه، ثقة، عین، فقیه، صحیح المذهب» توصیف شده است (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۷۸) و به دلیل سختگیری در پذیرش روایان، وثاقتش مورد اجماع است. در کنار اینان، محمد بن ابی عمیر که از اصحاب اجماع به شمار می آید، در رجال نجاشی با تعبیر «ثقة، عین» یاد شده است (نجاشی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۷) و کثی درباره او تصریح کرده است که «لم یرو عن غیر ثقة» (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۵۴). جایگاه ویژه این پنج راوی و اجماع بر وثاقت آنان نشان می دهد که روایت های منقول از ایشان اساس و ستون اصلی بخش مهمی از میراث حدیثی شیعه را شکل می دهد. این روایات در منابع متعددی چون تفسیر عیاشی، بصائر الدرجات، تنبیه الغافلین، کتاب سلیم بن قیس، التبیان، مجمع البیان یافت می شوند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۰؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۲۱۲-۲۱۵؛ سمرقندی، بی تا، ص ۱۲۴؛ سلیم، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۸۱؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۶۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۶۲). برای نمونه، محمد بن حسن صفار با اسانید متعدد که مستفیض بلکه متواتر هستند از ائمه شیعه (ع) نقل کرده است که آیه درباره علی (ع) و نیز امامان پس از او نازل شده است؛ مثلاً فضیل بن یسار از امام باقر (ع) درباره «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» پرسید و ایشان فرمود: درباره علی (ع) نازل شد و او عالم ترین پس از پیامبر بود. عبدالله بن عجلان گوید: از امام باقر (ع) درباره آیه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» پرسیدم. ایشان فرمود: درباره علی (ع) پس از رسول خدا و نیز پس از او درباره ائمه (ع) نازل شده است و علی (ع) علم به کتاب داشت. عبدالله بن عطاء می گوید: به ابو جعفر (ص) گفتم که این پسر عبدالله بن سلام است و گمان می کند پدرش همان کسی است که خداوند می فرماید: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، فرمود: دروغ گفته است، او علی بن ابی طالب است.



۴. قرائتی متفاوت از این آیه

طبری قبل از ورود به روایات مرتبط با قرائت متفاوت، این شرح را می‌دهد: «وقد ذکر عن جماعة من المتقدمین أنهم كانوا یقرأونه: «وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ»، بمعنی: مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ». محقق این نسخه نیز در توضیح این روایت اضافه می‌کند: «ضبطت فی المخطوطة: عُلِمَ» (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰۲). در ادامه بر اساس راویان برجسته، هر دسته از روایات مورد ارزیابی سندی و در صورت امکان متنی قرار می‌گیرد.

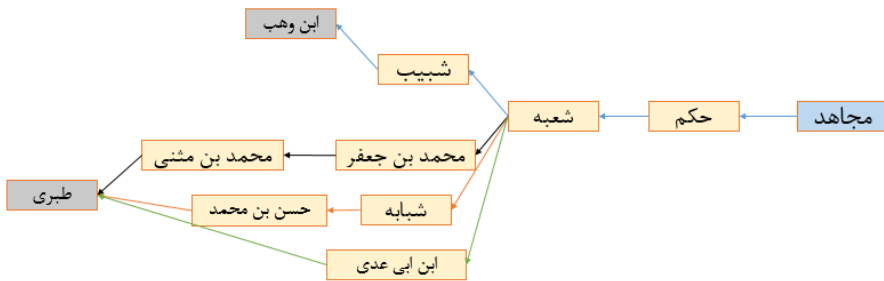
۱-۴. روایات مجاهد

نکته قابل توجه در بررسی اسناد این روایات، نقل چهار راوی از شعبه به نقل از مجاهد است. مجاهد در تطبیق مصداق «من عنده علم الكتاب» به عبدالله بن سلام نقش پررنگی در اسناد روایات داشت و می‌توان گفت به جز خود عبدالله بن

سلام و یک تحریر از قتاده، تمام روایات مرتبط با عبدالله بن سلام از مجاهد در منابع روایی ذکر شده بود. حال چگونه مجاهدی که راویان متعددی به نقل از او این آیه را منتسب به عبدالله بن سلام دانسته‌اند، معتقد است که قرائت این آیه متفاوت است و من عنده علم الكتاب خوانده می‌شود و در نتیجه، مصداق آن «الله» است؟! در نمودار پیشین، طریق‌های منتهی به مجاهد از اعتبار کافی برخوردار نبودند. پیش از پرداختن به طرق موجود در این نمودار، اساسی‌ترین نکته توجه به انفراد سند این روایت تا سه طبقه است. یعنی پیش از شعبه، مجاهد تنها برای حکم و حکم نیز تنها برای شعبه این روایت را نقل کرده است که این امر بسیار بعید به نظر می‌رسد. پس از آن شعبه، به عنوان راوی مؤثر، این روایت را برای چهار نفر نقل کرده است. شعبه بن حجاج واسطی از دی عتکی بصری (م ۱۶۰ق) تابع تابعی، مفسر و محدث قرن دوم به شمار می‌آید و مشایخ و بزرگان فقه و حدیث از او روایت دارند. ابن سعد و ابوحاتم او را توثیق کرده‌اند. در عین حال دارقطنی معتقد است، وی به سبب مشغله زیاد، در حفظ متون و در اسمای رجال اشتباه می‌کرد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۳۵۳). حکم بن عتیبه الکنندی (م ۱۱۳ق) از صغار تابعین، نیز به نقل‌های مختلف به تدلیس مشهور است (علائی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۶؛ نسائی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۲۳؛ سیوطی، بی تا، ج ۱۲، ص ۴۴؛ عسقلانی، ۱۴۰۶، ص ۳۰).

متن تمام تحریرهای مجاهد با اندکی تفاوت این گونه است: «وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ: مَنْ عِنْدَ اللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» (ابن وهب، ۲۰۰۳، ج ۲، ص ۲۵؛ طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰۰-۵۰۸).

از میان طریق‌های انشعاب یافته از شعبه نیز، نقل ابن وهب از شیبیب بن سعید به طور خاص پذیرفته نیست (ابن عدی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۴۷). همچنین برخی روایات شبابه بن سوار مدائنی را به دلیل اعتقاد به إرجاء نپذیرفته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۵۱۳). البته جدا از این مطلب، نقل شبابه از شعبه را نیز معتبر ندانسته‌اند (ابن حنبل، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۱).



۲-۴. سایر روایات

مهم‌ترین نکته در نمودار زیر، رشد وارونه اسناد است. به طوری که تمام طریق‌های مربوط به روایات تفاوت قرائت آیه در تفسیر طبری ذکر شده‌اند. نخستین روایت ذکر شده در طبری به نقل از سعید بن جبیر از ابن عباس، چنین است: «وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ، مِی‌گوید: مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰۳). متن سایر تحریرهای این نمودار نیز با تفاوت بسیار اندکی همین مفهوم را می‌رسانند. در ادامه و در حد امکان به بررسی طریق‌های موجود در این نمودار پرداخته شده است.

الف) حسن بصری

در منابع رجالی و عرف نقل‌ها، وقتی راوی، مستقیم تابعی بصره به نام «حسن» را بدون مشخصه ذکر می‌کند (با توجه به نقل ابن زاذان و عوف و معمر و قتاده از حسن که هر چهار تن بصری هستند، زادبوم حسن نیز کاملاً مشخص است)، مراد غالباً حسن بصری است، مگر قرینه‌ای بر غیر او وجود داشته باشد. درباره شخصیت حسن بصری از نظر وثاقت دو دیدگاه متفاوت میان رجالیان وجود دارد. حسن بصری از جهت وثاقت و جایگاه علمی و عبادی در میان بزرگان تابعین جایگاهی ممتاز دارد و غالباً به وثاقت توصیف شده است؛ با این حال، از نظر رجالی، مسئله تدلیس او اهمیت دارد و موجب شده که در پذیرش روایاتش - به‌ویژه آنچه با «عن» نقل کرده - احتیاط شود (عسقلانی، ۱۴۰۶، ص ۵۲؛ ذهبی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵۱۹). توجه به تابعی و مدلس بودن حسن بصری نکته مهمی است، چراکه طریق‌های متعددی از او این روایت را نقل کرده‌اند و او به اصطلاح (مانند شعبه در نمودار پیشین) یکی از حلقه‌های مشترک روایت محسوب می‌شود و این اعتبار روایت را زیر سؤال می‌برد. به علاوه،

طریق‌های شعبه، علی بن الجعد و حسن بن محمد، مرسل هستند، چراکه نام تمامی راویان در سند ذکر نشده است و ناقص هستند. البته نقل محمد بن عبدالاعلی تا حسن، طریقی معتبر است. أبوزرعه و أبوحاتم او را توثیق کردند و ابن حبان نام او را در الثقات ذکر کرده است (مزی، ۱۴۰۰، ج ۲۵، ص ۵۸۱-۵۸۲). یحیی بن معین و نسائی نیز، محمد بن ثور را توثیق کرده‌اند. بخاری نیز به نقل از عبدالرزاق این چنین در وصف او گفته است: «مُحَمَّدُ بْنُ ثَوْرٍ صَوَامٌ قَوَامٌ» (مزی، ۱۴۰۰، ج ۲۴، ص ۵۶۳؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۳۰۲). نقل معمر بن راشد از حسن بصری نیز با اشکالاتی مواجه است. معمر در سال ۹۵ ق متولد شده و در ۱۵۳ ق درگذشته است (خطیب‌بغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۳، ص ۲۹۸). بنابراین در زمان وفات حسن بصری حدود ۱۵ سال داشته است. این فاصله سنی باعث می‌شود احتمال سماع مستقیم او از حسن بصری بسیار ضعیف باشد. به همین دلیل، نقل‌های معمر از حسن بصری غالباً مرسل تلقی می‌شوند (عسقلانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۲۰۷).

در سلسله اسناد تفسیر طبری، وقتی عبارتی مانند «بشر، عن یزید، عن سعید، عن قتاده» می‌آید، بر اساس چند معیار رجالی و سندی، مشخص می‌شود که منظور از بشر، بشر بن معاذالعقدی (م. ۲۴۵) است. در موارد متعدد، طبری روایات خود از قتاده بن دعامة السدوسی (م. ۱۱۷ ق) را با همین سلسله ذکر می‌کند: «بشر، عن یزید، عن سعید، عن قتاده». این ترکیب بسیار تکراری است و نشان می‌دهد یک راوی ثابت مقصود است که به عنوان شیخ روایت حضور دارد (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۲۴؛ ج ۶، ص ۳۵۷؛ ج ۸، ص ۴۵۶). او از «یزید بن زریع» (م. ۱۸۲ ق) روایت می‌کند، و یزید بن زریع هم از «سعید بن ابی عرب» (م. ۱۵۶ ق)، و او از قتاده. این زنجیره یکی از طرق پرکاربرد برای نقل تفسیر قتاده است. البته راویان دیگری به نام «بشر» وجود دارند (مانند بشر بن عمر، بشر بن آدم و...)، اما هیچ‌یک به اندازه بشر بن معاذ در تفسیر طبری حضور پررنگ ندارند و همچنین از یزید بن زریع روایت نکرده‌اند.

درباره بشر بن معاذ، اطلاعات چندانی در دست نیست. ابن حبان او را از ثقات نام برده است. نام چند تن از مشایخ او عبارت‌اند از: إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبِي مَحْدُورَةَ الْجَمْحَمِيِّ، وَأَبِي عَوَانَةَ، وَمَرْحُومِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَطَّارِ، وَعَبْدِ

الواحد بن زیاد، وحمّاد بن زید، وهشيم، ومعتمر، و... همچنين نام چند تن از راویان او عبارت‌اند از: الترمذی، والنسائی، وابن ماجه، وأبو بكر البزار، وعمر بن محمد بن بُجَير، والقاسم المطرّز، وابن خزيمه، و... (مزی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۴۱). یزید بن زریع نیز توثیق شده است. ابن سعد او را ثقه، حجه، كثير الحديث خوانده است. ابن معین او را ثقه، مأمون، أثبت شيوخ البصريين خوانده است و ابن حاتم نیز وی را ثقه و امام خوانده است (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۲۹۸). از سعید بن ابی عروبہ نیز پیش تر سخن گفتیم.

ب) ابن عباس

ابتدا اشاره به این نکته ضروری است که اظهارنظرهای ابن عباس در خصوص جزئیات آیات و سوره در زمان نزول، مربوط به زمانی است که سن چندانی نداشته است. البته در ادامه نیز وثاقت راویان موجود در طریق‌های منشعب از ابن عباس بررسی می‌شوند. محقق تفسیر طبری (أحمد محمد شاکر) درباره نقل طبری از حسن بن محمد این چنین نوشته است که او همان «زعفرانی» است (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰۴). ابوعلی حسن بن محمد بن صباح الزعفرانی البغدادی متوفای ۲۶۰ ق با القابی چون امام، علامه، شیخ الفقها و المحدثین، جلیل، عالی الروایه، کبیرالمحل یاد شده است (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۶۲) و در منابع متعدد توثیق شده است (نسائی، ۱۴۲۳، ص ۶۵؛ ابن حنبل، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶۲؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۶۳). البته نقل حسن از عبدالوهاب بن عطاء با اشکالاتی مواجه است، چراکه نام عبدالوهاب (م. ۲۰۴ ق) با عناوینی چون «مشهور بالتدلیس»، «لیس بالقوی»، «مضطرب»، «ضعیف الحدیث» همراه است (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۴۵۱؛ سیوطی، بی تا، ص ۷۴؛ علائی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۸؛ عسقلانی، ۱۴۰۶، ص ۴۱). درباره ابی بشر جعفر بن ابی وحشیة ایاس نیز به عنوان یکی از راویان مؤثر گفته شده ابوالعرب نام او را در کتاب «ضعفاء» نقل کرده و قطان و شعبه و ابوالحسن کوفی نیز او را ضعیف شمرده‌اند (حنفی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۰۱). نکته‌ای در تضعیف هارون و ابو عوانه یافت نشد. اما مثنی شیخ طبری با نام کامل المثنی بن ابراهیم الأملی به عنوان فردی مجهول الحال ذکر شده است. لازم به ذکر است متن روایت سعید بن منصور و حجاج بن منهال از ابو عوانه متفاوت و به این صورت است: وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ. أهُوَ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ؟ قَالَ: هَذِهِ السُّورَةُ مَكِّيَّةٌ، فَكَيْفَ

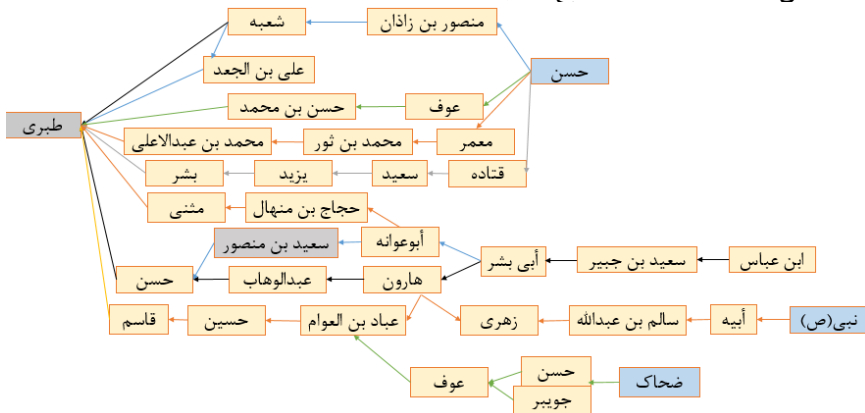
یکون عبد الله بن سلام! قال: وكان يقرأها: وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ می گوید: مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰۵). جدا از سند روایت که از صحت کامل برخوردار نیست، متن روایت به وضوح اختلاف و عدم پذیرش عبد الله بن سلام به عنوان مصداق این آیه را نشان داده است.

ج) پیامبر (ص)

تنها روایتی که قرائت متفاوت این آیه را به صورت «مِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» به پیامبر منسوب ساخته است، روایت سالم بن عبد الله به نقل از پدرش به نقل از نبی (ص) است. لیکن این سند نیز در همان تفسیر طبری، به دلیل عدم سماع هارون الأعمور از زهری که دکتر شاکر به آن اشاره کرده، بی اعتبار شمرده شده است (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰۷).

د) ضحاک

در مورد وثاقت و اعتبار روایات ضحاک بن مزاحم اختلاف نظر وجود دارد. احمد بن حنبل، یحیی بن معین، ابوزرعه، ابن حبان، عجلی، دارقطنی او را توثیق کرده اند اما یحیی بن سعید او را تضعیف کرده و برخی گفته اند که در روایت تدلیس می کرده است. داوودی نیز با اینکه او را صدوق دانسته، اشاره کرده است که بسیار بدون سند روایت می کرده است (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۶۰۰). به علاوه، درباره جویبر بن سعید نیز عناوین و عباراتی از جمله «متروک»، «لیس بثقه»، «ضعیف»، «لیس بشیء»، «جویبر لا یشغل بحدیثه» (مزی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۶۷).



نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل دقیق روایات و اسناد مرتبط با مصداق آیه «من عنده علم الكتاب»، مشخص می‌شود که روایت‌های منقول از مجاهد و سایر راویان تابع، هرچند فراوان هستند، از نظر سندی ضعف‌هایی جدی دارند و در بسیاری موارد مرسل یا متعارض‌اند. همچنین روایات مربوط به عبدالله بن سلام، با وجود اینکه برخی منابع او را مصداق آیه ذکر کرده‌اند، از نظر رجالی معتبر نیستند و هیچ‌یک از فرزندان یا راویان نزدیک او این نقل را به صورت مستند تأیید نکرده‌اند. روایت‌های ضحاک نیز با توجه به ضعف و مدلس بودن وی، قابل اعتماد نبوده و نمی‌توانند پایه‌ای مستحکم برای تعیین مصداق آیه باشند.

از سوی دیگر، منابع شیعی و برخی منابع سنی معتبر، بیشترین تعداد طرق قابل اعتماد را به امیرالمؤمنین علی (ع) نسبت داده‌اند و راویان برجسته‌ای همچون یعقوب بن یزید، فضیل بن یسار، یونس بن عبدالرحمن و محمد بن ابی عمیر در این مسیر ثبت شده‌اند. این روایت‌ها از نظر سندی و محتوایی مورد تأیید هستند و با تحلیل رجالی، ضعف‌های مسیرهای مربوط به عبدالله بن سلام و ضحاک را جبران می‌کنند. همچنین، برخی قرائت‌های معتبر از آیه، از جمله قرائت «من عند الله علم الكتاب»، نشان می‌دهد که نسبت دادن آن به عبدالله بن سلام ناشی از تحریرهای ضعیف و ناپایدار بوده است.

با جمع‌بندی همه مسیرها و اعتبارسنجی راویان، می‌توان نتیجه گرفت که مصداق آیه «من عنده علم الكتاب» با بیشترین شواهد و اسناد معتبر، امیرالمؤمنین علی (ع) است و روایت‌های منتسب به عبدالله بن سلام یا دیگر افراد اهل کتاب از اعتبار کمتری برخوردارند. این تحلیل نشان می‌دهد که توجه دقیق به اسناد، رجالیان و قرائت‌های مختلف، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین مصداق آیه دارد و تنها مسیرهایی که از نظر سندی مستحکم و رجالی مورد تأیید باشند، می‌توانند مبنای قضاوت قرار گیرند.

فهرست منابع

قرآن كريم

١. ابن ابى شيبه، عبد الله بن محمد. (١٤٠٩ق). المصنف فى الاحاديث والاثار (تحقيق كمال يوسف الحوت). رياض: مكتبة الرشد.
٢. ابن اثير، على بن محمد. (١٤٠٧ق). الكامل فى التاريخ (تحقيق قاضى ابوالفداء عبدالله). بيروت: دار الكتب العلمية.
٣. ابن عربى، ابوبكر محمد بن عبد الله. (١٤١٣ق). الناسخ والمنسوخ فى القرآن الكريم (تحقيق عبدالكبير العلوى المدغرى). قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
٤. ابن حبان، محمد بن حبان. (١٣٩٣ق). الثقات. حيدرآباد: مؤسسة الكتب الثقافية.
٥. ابن حنبل، احمد بن محمد. (١٤١٧ق). موسوعة الاقوال الامام احمد بن حنبل فى رجال الحديث وعلله (گردآورى السيد ابو المعاطى نورى، احمد عبد الرزاق عيد و محمود محمد خليل). بيروت: دار النشر.
٦. ابن سعد، ابو عبد الله محمد. (١٤١٠ق). الطبقات الكبرى (تحقيق محمد عبدالقادر عطا). بيروت: دار الكتب العلمية.
٧. ابن شيه، عمر بن شيه. (١٣٩٩ق). تاريخ المدينة لابن شيه (تحقيق فهيم محمد شلتوت). جده: طبع على نفقة محمود احمد.
٨. ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله. (١٤١٢ق). الاستيعاب فى معرفة الاصحاب (تحقيق على محمد البجاوى). بيروت: دار الجيل.
٩. ابن عدى جرجانى، عبد الله بن عدى. (١٤١٨ق). الكامل فى ضعفاء الرجال (تحقيق عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض). بيروت: دار الكتب العلمية.
١٠. ابن عطيه، عبد الحق بن غالب. (١٤٢٢ق). المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز. بيروت: دار الكتب العلمية.
١١. ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. (١٩٩٢). المعارف (تحقيق عكاشه ثروت). قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
١٢. ابن النديم، ابو الفرج محمد بن اسحاق. (١٤١٧ق). الفهرست (تحقيق ابراهيم رمضان). بيروت: دار المعرفة.
١٣. ابونعيم، احمد بن عبد الله. (١٤١٥ق). مسند الامام ابى حنيفة (تحقيق نظر محمد فاريابى). بغداد: مكتبة الكوثر.
١٤. احمد بن حنبل. (١٤٢١ق). مسند الامام احمد بن حنبل (تحقيق شعيب الارنؤوط و عادل مرشد). بيروت: مؤسسة الرسالة.

١٥. بخاری، محمد بن اسماعیل. (١٩٨٧). التاريخ الكبير. بيروت: دار الكتب العلمية.
١٦. بخاری، محمد بن اسماعیل. (١٤٢٢ق). صحيح البخاری (تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر). بیروت: دار طوق النجاة.
١٧. برقی، احمد بن محمد (ابوجعفر). (بی تا). رجال البرقی (الطبقات). تهران: منشورات جامعة تهران.
١٨. ترمذی، محمد بن عیسی. (١٩٩٨). سنن الترمذی (تحقیق بشار عواد معروف). بیروت: دار الغرب الاسلامی.
١٩. ثعلبی، احمد بن محمد. (١٤٢٢ق). تفسیر الثعلبی (تحقیق ابی محمد ابن عاشور). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٠. حنفی، ابو بکر احمد بن علی رازی. (١٤٢٢ق). شرح بدء الامالی (تحقیق ابو عمرو بن عمر بن عبد الرحیم). بیروت: دار الكتب العلمية.
٢١. حویزی، عبد علی بن جمعه. (١٤١٥ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
٢٢. خطیب بغدادی، احمد بن علی (ابو بکر). (١٤٢٢ق). تاریخ بغداد (تحقیق بشار عواد معروف). بیروت: دار الغرب الاسلامی.
٢٣. دارقطنی، علی بن عمر (ابو الحسن). (٢٠٠١). موسوعة اقوال ابی الحسن الدارقطنی فی رجال الحديث وعلله (تحقیق محمد مهدی مسلمی و همکاران). بیروت: عالم الكتب للنشر والتوزيع.
٢٤. ذهبی، شمس الدین. (١٣٨٢ق). میزان الاعتدال فی نقد الرجال (تحقیق علی محمد بجاوی). بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
٢٥. ذهبی، شمس الدین. (١٤٠٥ق). سیر اعلام النبلاء (تحقیق شعیب الارنؤوط). بیروت: مؤسسة الرسالة.
٢٦. ذهبی، شمس الدین. (١٤٠٦ق). ذکر اسماء من تكلم فيه وهو موثق (تحقیق محمد شكور بن محمود الحاجی امیر المیادینی). الزرقاء: مكتبة المنار.
٢٧. زرکلی، خیرالدین بن محمود. (٢٠٠٢). الاعلام. بیروت: دار العلم للملایین.
٢٨. سخاوی، شمس الدین محمد بن عبد الرحمن. (١٤٣٢ق). الثقات ممن لم يقع فی الكتب الستة (تحقیق شادی بن محمد بن سالم آل نعمان). یمن: مركز النعمان للبحوث والدراسات الاسلامية.
٢٩. سلیم بن قیس هلالی. (١٤٠٥ق). كتاب سلیم بن قیس (تحقیق محمد انصاری زنجانی خوئینی). قم: الهادی.
٣٠. سمرقندی، نصر بن محمد. (بی تا). بحر العلوم. بی جا: بی نا.
٣١. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر. (بی تا). اسماء المدلسین (تحقیق محمود محمد محمود حسن نصار). بیروت: دار الجیل.

اعتبارسنجى روايات شأن نزول و تعيين مصداق «من عنده علم الكتاب».../ترايبى، شريفى، احمدنژاد ١٤٧

٣٢. سيوطى، جلال الدين عبد الرحمن بن ابى بكر. (١٤١٧). تاريخ الخلفاء (تحقيق محمود جلال بن محمد). بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٣. صفار قمى، محمد بن حسن (ابو جعفر). (١٤٠٤ق). بصائر الدرجات (تصحيح محسن كوجه باغى). قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
٣٤. طبرانى، سليمان بن احمد. (٢٠٠٨). التفسير الكبير (تحقيق هشام البندارى). اردن: دار الكتاب الثقافى.
٣٥. طبرسى، فضل بن حسن. (١٤١٥ق). مجمع البيان فى تفسير القرآن. بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
٣٦. طبرى، محمد بن جرير. (١٤٢٠ق). جامع البيان فى تاويل القرآن (تحقيق احمد محمد شاكر). بيروت: مؤسسة الرسالة.
٣٧. طوسى، محمد بن حسن. (١٤٠٩ق). اختيار معرفة الرجال (تصحيح حسن مصطفوى). مشهد: مؤسسة النشر فى جامعة مشهد.
٣٨. طوسى، محمد بن حسن. (بى تا). رجال الطوسى (تحقيق جواد قيومى اصفهانى). قم: شريف الرضى.
٣٩. طوسى، محمد بن حسن. (١٤١٤ق). الامالى. ايران: دار الثقافة.
٤٠. عسقلانى، ابن حجر. (بى تا). تعريف اهل التقديس بمراتب الموصوفين بالتدليس (تحقيق عاصم بن عبد الله القريونى). اردن: مكتبة المنار.
٤١. عسقلانى، ابن حجر. (١٣٢٦ق). تهذيب التهذيب. هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية.
٤٢. عسقلانى، ابن حجر. (١٤٠٦ق). تقريب التهذيب (تحقيق محمد عوامه). سوريه: دار الرشيد.
٤٣. علائى، خليل بن كيكلىدى (ابوسعيد). (١٤٠٧ق). جامع التحصيل فى احكام المراسيل (تحقيق حمدى عبد المجيد السلفى). بيروت: عالم الكتب.
٤٤. علائى، خليل بن كيكلىدى. (ابوسعيد). (١٣٩٨ق). المختلطين (تحقيق رفعت فوزى عبد المطلب و على عبد الباسط مزيد). قاهره: مكتبة الخانجى.
٤٥. عياشى، محمد بن مسعود. (١٣٨٠ق). التفسير (تصحيح هاشم رسولى محلاتى). تهران: المطبعة العلمية.
٤٦. فخر رازى، محمد بن عمر. (١٤٢٠ق). التفسير الكبير. بيروت: دار احياء التراث العربى.
٤٧. كشى، محمد بن عمر. (١٤٠٩ق). اختيار معرفة الرجال (تصحيح حسن مصطفوى). مشهد: مؤسسة نشر دانشگاه مشهد.
٤٨. مزى، يوسف بن عبد الرحمن. (١٤٠٠ق). تهذيب الكمال فى اسماء الرجال (تحقيق بشار عواد معروف). بيروت: مؤسسة الرسالة.

۴۹. مقاتل بن سلیمان، ابو الحسن. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان (تحقیق عبد اللہ محمود شحاتہ). بیروت: دار احیاء التراث.
۵۰. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۱۶ق). رجال النجاشی. قم: مؤسسۃ النشر الاسلامی.
۵۱. نسائی، احمد بن علی. (ابو عبد الرحمن). (۱۴۲۳ق). السنن الکبری (تحقیق شعیب الارنؤوط). بیروت: مؤسسۃ الرسالۃ.